

فراز هایی از کتاب مقدس

# پولس رسول

سطح مقدماتی

فراز هایی از کتاب مقدس

# پولس رسول

این کتاب ترجمه ای است از :

Les dossiers de la Bible

**Saint Paul**

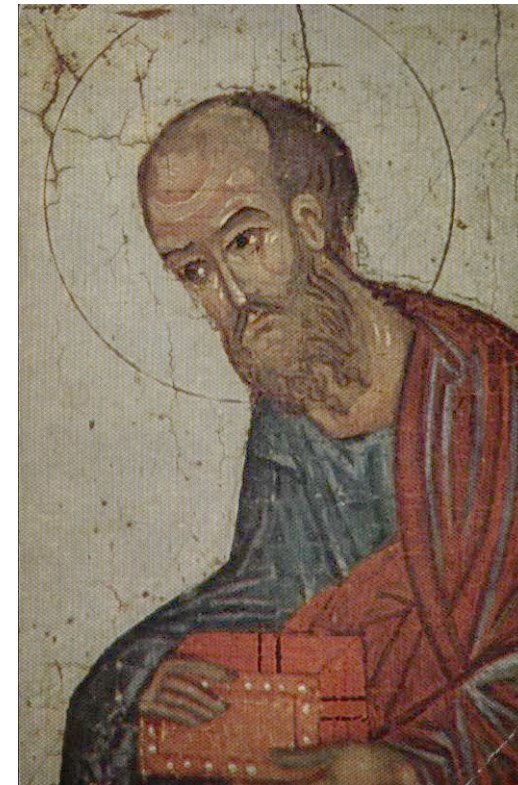
September 1988 - No 24

## فهرست

صفحه

۵	مقدمه
۷	چرا پولس را دوست دارم؟
۱۱	دعوت الهی پولس
۱۵	پولس، فشردی یهودی و شهروند روم
۱۹	یک زندگی سرشار
۲۸	سفرهای پولس
۳۲	شبان و دانشمند علوم الهی
۳۷	از عیسی تا پولس
۴۱	پولس و زنان
۴۵	پولس در مقابل بطرس
۴۸	گروههای کتاب مقدسی
۵۲	سرودی برای فیلیپیان
۵۳	مطالعه رساله به فیلیپیان

کلیسای خدا هستند. هنگامی که او این نامه ها را می نوشت فکر نمی کرد که ۱۹ قرن بعد مسیحیان دنیا آنها را بخوانند. با اینحال صدای او هنوز هم به گوش می رسد و نامه های تشویق آمیزی که به کلیسای فیلیپیه یا غلاطیه نوشته است ما را دعوت می کنند تا کاملاً در ایمان به عیسی مسیح زندگی کنیم.



## مقدمه

« من نیز مانند همه مردم به خودی خود هیچ گونه علاقه ای نسبت به پولس رسول ندارم و کم کم دیگر از او خوشم هم نمی آید. » در این کتابچه مفسری که اعتراف بالا را نموده است، برایمان بازگو می کند که چگونه پولس یک رسول شده است و بدون شک این کار به ما کمک خواهد کرد چون پولس برای بسیاری از ما مردی پیچیده و یا بهتر بگوییم کمی کسل کننده است.

با این وجود چه مطالب شگفت آوری در پیچ و خم نامه هایش نهفته، سرودهایی که برای جلال خدا و یا حتی سرود معروفی که در مورد محبت سراییده است: «اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گویم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود و محبت نداشته باشم هیچ سود نمی برم...»

در جوار پولس می توان حیات کلیساهای نوپا را احساس کرد. پولس رسول برای آسایش بخشیدن، راهنمایی و استوار ساختن آنها حاضر است. الهیاتی که او بتدریج برای کلیساهای خلق می کند گستاخی جوانی او را با خود به همراه دارد. زیرا پولس نمی توانسته مثل ما برای این که «به شیوه ای مسیحی بیندیشد» بر روی بیست قرن تعالیمی حساب کند که امروزه ما بر آنها تکیه می کنیم. تنها مراجع او کتب و یا تعالیمی بودند که از رسولان اورشلیم دریافت کرده بود و نیز اطمینان قلبی به این که روح عیسی مسیح که در راه دمشق بر او ظاهر شده بود وی را همراهی می کند.

با پولس ما هنوز در ابتدای کار به سر می بریم یعنی در دنیای شگفت انگیز جوانی، لطافت و امیدواری. با وجود عیسای قیام کرده همه چیز امکان پذیر است و درهای آینده کاملاً گشوده هستند. پولس همین شور و هیجان را به تمام کسانی که در سراسر دنیا رسالات وی را می خوانند انتقال می دهد، خواه آزاد باشند یا غلام، یهودی یا یونانی. او این افراد را برادران می خواند، کسانی که در اورپا و آسیا اعضای

مورد اشتیاق و شادی و تاج خود» خطاب می کند را خوانده اید؟ (فی ۴:۱). یا سرزنشهای غم انگیز و آزار دهنده ای را که به «غلاطیان بی فهم» می کند؟ (غلا ۳:۱) بدیهی است پولس غالباً مثل یک استاد صحبت می کند، معلمی یهودی که ایمان ناشی از تفکر او بر ایمان مؤمنین کلیساهای جوان برتری دارد، ولی با این وجود می داند چگونه از منبر خود نزول کرده و بر خاک نشیند. چه کسی می تواند از پولس ایراد بگیرد که وقتی لازم بود موقعیت مبهمی را روشن کند یا به اختلافاتی رسیدگی کند او قدم پس گذاشته و این کار را انجام نداده است. استدلالهای پولس که گاهی زیرکانه هستند از نظر علمی خوشایند نیستند و فرار از واقعیت نیز نمی باشند، بلکه خدمت به کلیساها و ایمان به مسیح بشمار می آیند.

### مسیح در وی ساکن است.

نکته دیگری که از پولس، شخصی جذاب می سازد نحوه ساکن شدن مسیح در وی است و جملاتش همین را القاء می نمایند: مسیح قیام کرده او را شیفته خود ساخته است، پولس دائماً از او حرف می زند حتی وقتی که در مورد موضوعات دیگری سخن می راند. کلماتی نظیر «توسط مسیح، با او، در او» اصطلاحاتی هستند که به طور مداوم در مجموعه لغاتی که وی به کار می برد به گوش می رسند، تا جایی که به نظر می رسد تسبیحات موجود در دعاهای مراسم عشای ربانی به اصرار او ساخته شده اند. در راه دمشق چیزی در وجود پولس می میرد، سه روز نابینایی که در کتاب اعمال رسولان از آن یاد شده است بیان نهادین از این مسئله می باشد (اع ۹:۹). از آن لحظه به بعد چیز دیگری در او متولد می شود و به حیات خود ادامه می دهد: «با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می کنم لیکن نه من بعد از این بلکه مسیح در من زندگی می کند.» (غلا ۲:۲۰). آیا در این آیه انگیزه ای کافی وجود ندارد تا بی تفاوتی های ما را رفته و در ما این تمایل را ایجاد کند که بدون واهمه شخصی را که خود را به عنوان نمونه ای برای اقتدا معرفی نموده آن هم نه از روی غرور و یا گزافه گویی بلکه به این خاطر که مسیرش نمونه می باشد را پیروی نماییم؟ پس چه

## چرا پولس را دوست دارم؟

من هم مثل همه به خودی خود هیچ علاقه ای نسبت به پولس رسول ندارم و کم کم دیگر از او خوشم هم نمی آید. وقتی که کاملاً در دایره انتقاداتی که بارها در مورد روش پولس، کراهت او از زنان، ماهیت غیر عملی نامه های او، عدم وجود شعر در نوشته هایش و دقت بیش از حدی که در استدلالهایش داشته قرار می گیرم، می توانم ایراداتی را که بر وی وارد است بشمارم. پولس نویسنده ای نیست که بتوان به او نزدیک شد و نه شخصیتی که خود را براحتی تسلیم نماید.

### خشونت تن به تن

برای دوست داشتن پولس باید در بازی او شرکت کرد، من الآن دیگر او را دوست دارم و حتی یکی از هوادارانش هستم. اگر شخصی طالب مبارزه است باید مبارزه را در مورد او پذیرفت. من بارها خود را درگیر نبردی تن به تن با وی که گاهی خشونت آمیز بود کرده ام، این کار را در واقع با دوباره خواندن مطالب دشواری که در رسالات خود نوشته، با تحقیق در کتاب اعمال رسولان به منظور کسب اطلاعاتی که بتواند مرا در شناختن موقعیت کسانی که رسالات پولس را دریافت می کردند یاری دهد یا با روشنتر کردن مطالب نوشته شده در یک رساله توسط مطالب مشابهی که در رسالات دیگر (وجه تشابه زیادی بین رساله رومیان و غلاطیان، همچنین افسسیان و کولسیان وجود دارد.) نوشته شده اند انجام داده ام و باید بگویم که برای این کار باید بهایی پرداخت. با در نظر گرفتن این موضوع که همیشه از مطالعه نامه های پولس پی به جنبه های تازه ای از آن می برم، هیچ وقت از خواندن و دوباره خواندن آنها خسته نمی شوم. آیا عقاید پولس رسول غیر عملی است؟ فکر نمی کنم که اینطور باشد. آیا رساله او به فیلیپیان یعنی به فرزندان عزیزانی که آنها را «برادران عزیز و

نیست ولی قابل اعتماد است و همین امر روی من اثر می‌کند. داشتن دوستی که شخصیت شادی دارد تنها در زمانهایی که مشکلاتی برایم پیش آمده می‌تواند خستگی مرا اندکی کم کند. ولی وقتی مردی نحیف و صاحب استدلال مرا به داشتن شادی ساده‌ای تشویق می‌کند که خود او آن را در کسی یافته است که وی را تقویت می‌کند، در آن موقع است که خود را تقویت یافته با همان نیرو و مملو از همان شادی احساس می‌کنم.



کسی می‌تواند ادعا کند که مسیحی است بی آن که کاملاً در مفهوم جمعة الصلیب غوطه ور شود؟

### مردی آزاد

بالاخره از پولس به خاطر روشن ساختن مکاشفه‌ای انجیلی که درست به اندازه آزادی مسیحی بنیادی است سپاسگزارم. شاید شما نوشته‌های مرقس را ترجیح بدهید یا لطافتی را که لوقا به کار برده یا حتی تعمقهای والای یوحنا را، ولی در مورد نوشته‌های پولس گفتنی است که باید در آنچه شرح داده است زندگی کرد، در عمل او تفکر نمود و دانست که بر چه مبنایی این کارها را انجام می‌داده و ما پایه‌گذاری اعمال مسیحی را مدیون پولس هستیم. ما زنان و مردان آزادی هستیم که چون مسیح ما را آزاد نموده، روح خدا در ما ساکن شده است و اگر اجازه دهیم که توسط او هدایت شویم هیچ چیز ما را به اشتباه نخواهد انداخت. شایعات نادرستی در مورد شریعت‌گرایی پولس و یا طرز تفکر منفی وی در مورد گناهکاران شنیده می‌شود. کسانی که به این حرفها اهمیت می‌دهند در مورد پولس هیچ چیز نمی‌دانند و از این هم بدتر، آنها حتی به خود زحمت خواندن رسالات وی را نیز نداده‌اند به خصوص هشت باب اول رساله به رومیان. زیرا اگر این مطلب واقعیت داشته باشد که پولس در مورد امکاناتی که در اختیار مخلوقی قرار گرفته که برای رفع مشکلاتش به خود وابسته است دید منفی دارد (از آنجا که پولس شخصی واقع بین است) پس در این صورت او دید متفاوتی از بشری که در عیسی نجاتش می‌دهد و به روح القدس اعتماد می‌کند دارد. الهیات مسیحی تصویری را که از وجدان بشر به عنوان معیار عملکرد اخلاقی دارد اساساً مدیون پولس است. مسیحی در عیسی مسیح فردی آزاد است و چیزهایی که برای وی منع شده و یا مجاز شناخته شده‌اند تنها جنبه‌ی تعلیم و تربیتی دارند و اصولی بنیادی نمی‌باشند. من اتهامی بنیادی‌تر که بر نظامهایی که بر اساس ارجحیت قانون تدوین شده‌اند بتوان وارد آورد، به خاطر ندارم.

علی‌رغم آنچه در مورد پولس می‌گویند او عمیقاً شخص خوشبینی است، ملایم

پس دعوت آسمانی که پولس آن را شنیده و پایه ایمان وی شده است در واقع اساس مأموریت او را به عنوان رسول تشکیل می دهد درست همانطور که ظاهر شدن مسیح قیام کرده بر دوازده شاگرد اقتدار آنها را پایه گذاری کرده بود. پولس درست مانند مؤمنین اورشلیم توسط عیسای قیام کرده که خود را بر وی ظاهر نموده بود برکت یافته و برای انجام مأموریتی فرستاده شده بود.

### خدا پسرش را در من آشکار ساخت (غلا: ۱۶)

پولس در نامه ای که به غلاطیان می نویسد دوباره دعوت الهی خود را مطرح می سازد. این بار دیگر واژه «قیام کرده» را به کار نمی برد بلکه از کلمه «مکاشفه» استفاده می کند. در عهدعتیق متونی در مورد مکاشفه به چشم می خورد که در آنها آنچه از انسان است و زمینی است و آنچه از خدا توسط مکاشفه آشکار می شود با یکدیگر در تضاد هستند. کتب مکاشفه ای یوحنا نیز بر اساس همین تضادها نوشته شده اند. در اینجا پولس از این نمونه ها استفاده می کند تا نشان دهد که انجیلی را که بشارت می دهد توسط انسان نیافته و نیاموخته است بلکه مکاشفه خداست.

این مکاشفه باعث شد تا رفتار سابق او کاملاً عوض شود، یعنی پولس که برای مذهب پدران خود غیرت داشت و به همین خاطر به کلیسا جفا می کرد (غلا: ۱۳-۱۴). پولس در اینجا دعوت خود را به عنوان ابتکاری از سوی خدا معرفی می کند، درست همانطور که در مورد سایر انبیاء اتفاق افتاده است. او برای توضیح دعوت الهی خود صریحاً به ارمیا اشاره می کند: «اما چون خدا که مرا از شکم مادرم برگزید و به فیض خود مرا خواند رضا بدین داد...» (غلا: ۱۵)

ارمیا خوانده شده بود تا نبی امتهای شود. (ار: ۵). پولس نیز به نوبه خود مکاشفه ای از آسمان دریافت می کند که زندگی او را کاملاً زیرو رو کرده و او را در همان مسیری قرار می دهد که قبلاً ارمیا در آن قرار گرفته بود.

## دعوت الهی پولس

پولس بارها در نامه هایش به نحوه فراخوانده شدن خود اشاره می کند. او اصطلاحات متفاوتی به کار می برد درست مثل این که برای بیان غنای ملاقات خود با عیسی احتیاج به کلمات زیادی دارد. نویسنده دیگری به نام لوقا در کتاب اعمال رسولان در مورد نحوه ایمان آوردن پولس می نویسد. او این مطلب را سه بار در باب ۹: ۲۲ و ۲۶ ذکر می کند. ما در اینجا به بررسی دو متن از رسالات پولس و همین طور باب ۹ کتاب اعمال رسولان می پردازیم.

### آخر همه بر من ... ظاهر شد. (۱-قرن ۱۵: ۸)

پولس در میان ایمانداران شهر قرنس متوجه وجود شک و تردید نسبت به برخاستن مردگان شد. از نظر مسیحیانی که قبلاً بت پرست و مست از روح یونانی خویش بودند زنده ماندن جسم حقیر ما بعد از مرگ اهمیت چندانی نداشت. بنابراین پولس قانون اساسی ایمان کلیساها را به ایشان خاطر نشان می کند: مسیح مرده است، مسیح برخاسته است و خود را بر مؤمنین ظاهر نموده است. او افرادی را که مسیح بر ایشان ظاهر شده نام می برد که از آن جمله کیفا، دوازده حواری، پانصد برادر، یعقوب و سایر برادران می باشند. و بالاخره اظهار می کند: «و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید.» (۱-قرن ۱۵: ۸).

این متن مطالب فراوانی به ما می آموزد. در ابتدا پولس از رسولان حرف می زند و درباره ایشان می گوید: آنانی که با عیسی زندگی کردند و تا موقع مرگ او را پیروی نمودند. بلافاصله بعد از ایشان از خودش به عنوان رسول یاد می کند البته با در نظر گرفتن این که «کوچکترین رسولان است» چون بر کلیسای خدا جفا کرده بود. پولس آگاه است که عنوان رسول را هنگامی دریافت کرد که عیسی بر وی ظاهر شد.

رابطهٔ اسرارآمیزی بین مردمی که او در بند نهاد و این صدایی که با وی حرف می‌زند ولی گویندهٔ آن را نمی‌بیند وجود دارد. آیا نهایتاً بدن عیسی مسیح به طور کامل توسط اجتماع مسیحیان در کلیسا مجسم نشده است؟ پولس که خود نیز رسول می‌باشد در طول زندگیش این وجه تشابه بین عیسی و مسیحیان به یاد دارد: «شما بدن عیسی مسیح هستید».



### ای شائول برای چه بر من جفا می‌کنی؟ (۴:۹ع)

لوقا در کتاب اعمال رسولان باب ۹ چگونگی دعوت الهی پولس را در راه دمشق تعریف می‌کند. در این داستان معروف باید نکاتی چند را در نظر گرفت. این داستان ماجرای مسافرتی است که سولس با دقت آن را برنامه‌ریزی کرده و از سوی رؤسای گه‌نه معرفی نامه‌ایی در دست داشت تا بتواند در سر راه خود به دمشق، اهل طریقت را یعنی همان مسیحیان را دستگیر کرده و به اورشلیم بازگرداند. پولس راهی سفر می‌شود ولی سفری بدون بازگشت چون مسافرت او در بین راه متوقف می‌شود. درواقع بعد از ملاقاتی که در راه با عیسی مسیح می‌کند به دمشق می‌رود ولی دیگر به اورشلیم باز نمی‌گردد.

سفر بدون بازگشت. این اصطلاح از نظر روحانی نیز صدق می‌کند. در واقع از پولس دعوت می‌شود تا به مسافرت دیگری برود، مسافرتی که برای آن تدارکی ندیده است. او صدایی می‌شنود که به وی می‌گوید: «لیکن برخاسته به شهر برو که آنجا به تو گفته می‌شود چه باید کرد.» پولس که قادر به تصمیم‌گیری نبود به کمک همراهانش وارد شهر می‌شود، در حالی که تا آن وقت مثل یک رئیس رفتار کرده بود. حالا دیگر تصمیم‌گیری به عهدهٔ خداوند است و او تبدیل به یک «وسیله» شده است (آیهٔ ۱۵). در این باب به متنی که در آن پولس جفا کار توسط عیسی به پولس «توبه کار» مبدل شده است دقت کنیم. او که به وضوح آنچه باید انجام دهد را می‌دید، نابینا شده بود. آیا در طی سه شبانه‌روزی که از بینایی محروم بود، بی‌آن که لقمه‌ای بخورد و یا جرعه‌ای بنوشد به مرده‌ای در گور شباهت نداشت؟ او نیز مانند عیسی در مرگ و حیات شرکت می‌کند و باید بمیرد تا قیام کند. فلسه‌ایی که از چشمانش می‌افتد، تعمیدی که می‌یابد نمایانگر این واقعیت هستند که وی چشمانش را به روی نور تازه‌ای می‌گشاید. او خوراک می‌خورد، نیرو می‌یابد و آمادهٔ زندگی تازه‌ای می‌شود.

پولس برای آزار مسیحیان به سوی دمشق می‌شتافت. صدایی که در سر راه خود می‌شنود به وی می‌گوید: «چرا بر من جفا می‌کنی؟» و بدین ترتیب درمی‌یابد که

او این یادآوری را به «زبان عبری» انجام می‌دهد تا لاقابل توجه هم میهنانش را به سوی خود جلب کند. طبق سنت یهود پولس حرفه‌ای عملی یعنی خیمه‌دوزی را فراگرفته بود (اع ۱۸:۳). او به هر شهری که می‌رسد به کنیسه آنجا می‌رود. پولس که از کتب انبیاء تغذیه می‌کرد دوست داشت آنها را با برادران هم نژاد خود به منظور کشف این نکته که «مسیح همان عیسی است» عمیق‌تر مطالعه نماید (اع ۱۷:۳-۱۱). او متون را به همان شیوه علمای دین یهود (ربی‌ها) تفسیر می‌کند.

### پولس طرسوسی

پولس به شهر خود نیز می‌بالد: «من مرد یهودی هستم از طرسوس قیلقیه شهری که بی‌نام و نشان نیست» (اع ۲۱:۳۹). نوشته‌های قدیمی حاکی از آن است که شهر طرسوس در زمان پولس شهری رو به ترقی و پیشرفت بوده و تعداد ساکنان آن بالغ بر ۳۰۰/۰۰۰ نفر بوده است. این شهر دارای یک بندر تجاری مهم و نیز محلی بوده است که امروزه به آن دانشگاه گفته می‌شود. موقعیت جغرافیایی و تاریخی این شهر باعث می‌شوند تا از آن چهار راهی برای تلاقی نژادها، فرهنگها و مذاهب مختلف ساخته شود. این شهر دارای افتخاراتی نظیر آتودور فیلسوف مکتب رواقی و آموزگار امپراتور اغسطس، یا شاعری به نام آراتوس است که پولس در مقابل اهالی آتن از وی یاد می‌کند (اع ۱۷:۲۸) در این شهر که مردمی از نژادهای مختلف و با فرهنگهای متفاوت در آن ساکن هستند پولس فرهنگ دیگری دارد، او شناخت کاملی از زبان یونانی دارد. در طرسوس یهودیان زیادی زندگی می‌کردند و تشکیل طایفه‌ای به سبک یونانی را داده بودند. هرکسی نمی‌توانست خود به خود «شهروندی» فعال محسوب شود چون این امتیاز در شهرهای یونان به فروش می‌رسید. ولی والدین پولس این امتیاز را داشتند. داشتن چنین امتیازی می‌تواند این تصور را ایجاد کند که خانواده او در این شهر از خانواده‌های قدیمی و ثروتمندی محسوب می‌شدند که علاقه مند پیشرفت بوده‌اند. ولی این موضوع مانع نمی‌شود که تعدادی از اعضای خانواده وی ساکن اورشلیم باشند. در کتاب اعمال رسولان ۲۳:۱۶-۲۲ می‌بینیم که

### پولس، فردی یهودی و شهروند روم

اولین بار نام پولس در کتاب اعمال رسولان در جایی که سنگسار شدن استیفان شرح داده شده است ظاهر می‌شود. «شاهدان جامه‌های خود را نزد پایهای جوانی که سولس نام داشت گذاردند.» در ادامه داستان نام سولس به دفعات ذکر شده است و ناگهان در باب ۱۳:۹ اشاره‌ای کوتاه و مبهم می‌یابیم که: «ولی سولس که همان پولس باشد...». و از آن به بعد نویسنده کتاب اعمال رسولان تنها در مورد پولس صحبت می‌کند. تغییر نام سولس زمانی روی داد که وی در قبرس به سر می‌برد و با والی شهر یعنی «سرجیوس پولس» ملاقات می‌کند. پولس در آغاز تمام نامه‌هایش از خود به عنوان «پولس، رسول (یا غلام) عیسی مسیح» یاد می‌کند.

### پولس یهودی

پولس قبل از هر چیز یهودی است و روی این موضوع پافشاری می‌کند. در رساله به فیلیپیان (۳:۵-۶) عناوین اصلی خود را برمی‌شمارد: «روز هشتم مختون شده و از قبیله اسرائیل از سبط بنیامین عبرانی از عبرانیان، از جهت شریعت فریسی، از جهت غیرت جفا کننده بر کلیسا، از جهت عدالت شریعتی بی‌عیب».

پولس از سبط وفادار بنیامین است، سبطی که اسرائیل و معبد به آن سپرده شده‌اند، وی نام شائول اولین پادشاه اسرائیل را که او نیز از همان سبط بود بر خود دارد. پولس از ابتدا واجد تمام شرایطی بود که برای یک یهودی لازم است. او حتی می‌تواند برای یهودیان اورشلیم بنویسد که: «... اما تربیت یافته بودم در این شهر در خدمت غملائیل و در دقایق شریعت اجداد متعلم شده...» (اع ۲۲:۳).



## عیسی مسیح، خداوند است

چون در صورت خدا بود  
با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد  
لیکن خود را خالی کرده  
صورت غلام را پذیرفت  
و در شباهت مردمان شد.  
و چون در شکل انسان یافت شد  
خویشتن را فروتن ساخت  
و تا به موت  
بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید.  
از این جهت خدا نیز او را به غایت سرافراز نمود  
و نامی را که فوق از جمیع نامها است  
بدو بخشید.  
تا به نام عیسی  
هرزانی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم شود.  
و هر زبانی اقرار کند  
که «عیسی مسیح، خداوند است»  
برای تمجید خدای پدر.

فیلیپیان ۲: ۶-۱۱

خواهرزاده پولس برای نجات او از نقشه ای که برای قتل وی کشیده بودند نزد مقامات رومی می رود. پولس از روز تولد خود تبعه طرسوس محسوب می شده، یک نفر یهودی که خارج از سرزمین فلسطین سکونت داشته و طبیعتاً بر شیوه های دیگر اندیشه، زیستن و بودن دسترسی داشته است و حتی بیش از این، وی با غیرت به خدمت یهوه خدای واحد سرگرم بود.

### تبعه دولت روم

خانواده پولس عنوان دیگری نیز به او داده اند که هرگاه لازم بود، آن را یادآوری کرده است. هنگامی که سردار سپاه رومی قصد داشت «به ضرب شلاق از وی بازجویی» کند پولس اعتراض کرده اظهار می کند که وی تبعه دولت روم است. «مین باشی جواب داد من این حقوق را به مبلغی خطیر تحصیل کردم، پولس گفت اما من در آن مولود شدم» (اع ۲۲: ۲۸).

### تبعه آسمان

با آن که پولس می توانست از داشتن عناوینی مثل یهودی، تبعه طرسوس یا روم بودن به خود ببالد با اینحال می بینیم که «همه چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می داند» (فی ۳: ۸). او از روزی که «گرفتار» عیسی شده است آرزویی جز «با او بودن»، «با او مصلوب شدن»، «قیام کردن با او» ندارد و این که نخست تبعه آسمان باشد جایی که عیسی در آن است با تمام حقوق و وظایف آن.

همانطور که همه می دانند اعطای عنوان تبعه دولت روم منوط بر این بود که شخص ذینفع سه نام (tria nomia) را که مشخصه هر تبعه رومی بود بپذیرد. این سه نام عبارت بودند از: cognomen, nomen Praenomen، نام، نام خانوادگی و شهرت. در امپراتوری روم دو نام نخست مربوط به امپراتور بودند که در موقع حکومت وی حق تبعیت به شخص اعطاء می شد و نام سوم یادآور شهرت شخص ذینفع بود...

پولس در عین حال که تبعه شهری یونانی است یعنی طرسوس قیلقیه، تبعه روم نیز هست. از نظر قانونی او کاملاً یک یونانی و یک رومی محسوب می شود، به علاوه از سایر امتیازات خود نیز با اطلاع است. اسم کامل او احتمالاً کایوس ژولیوس پولس است. نام ژولیوس قطعی است چون حق تابعیت او در حکومت ژولیوس سزار اعطا شده است. ولی اسم کایوس مسئله برانگیز است... تنها شهرت او است که

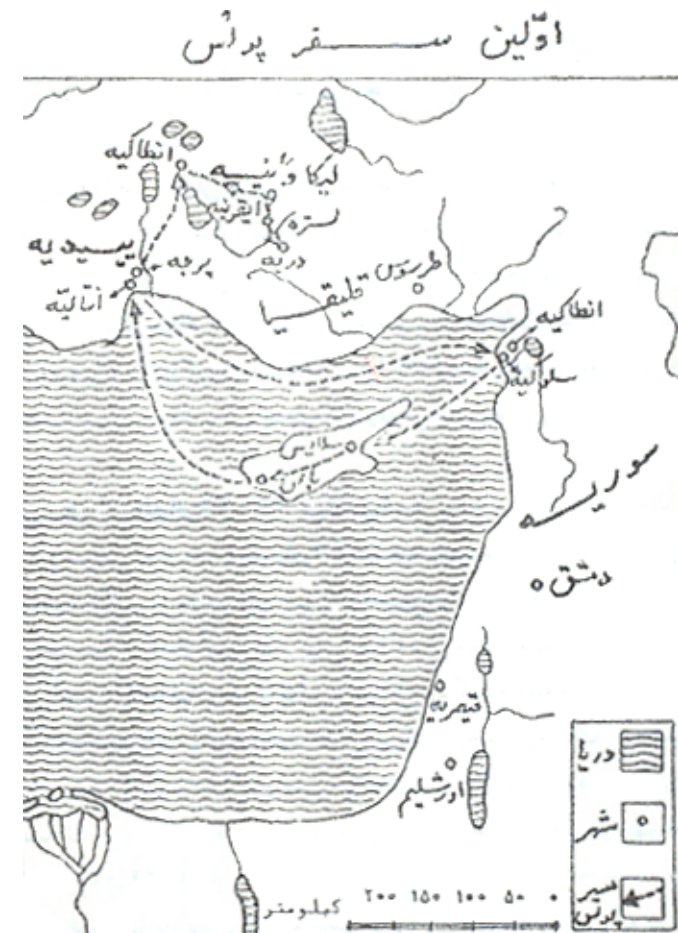
## یک زندگی سرشار

نمی‌توان به راحتی زندگی پولس را تعریف کرد چون چیزهایی را که در نامه‌هایش درباره خود به ما می‌گوید همیشه با آنچه که لوقا در کتاب اعمال رسولان به آن اشاره نموده است مطابقت پیدا نمی‌کند. پولس بعد از آن که ایمان آورد چه کرد؟ فقط می‌دانیم که او برای ملاقات با پطرس و یعقوب به اورشلیم رفت و در دمشق و عربستان مدتی اقامت کرده است (غلا: ۱۸-۲۴). ما با دعوت خوانندگان به مطالعه کتاب اعمال رسولان دست به بازسازی زندگی پولس زده‌ایم.

### نخستین سفر (سالهای ۴۵-۴۹ میلادی)

برنابا و سولس که از طرف کلیسای انطاکیه فرستاده شده بودند تا پیغام انجیل را به شهرهای اطراف برسانند (اع باب ۱۳) قبرس و آسیای صغیر را پشت سر می‌گذارند. سولس که از آن به بعد پولس خوانده می‌شود باعث ایمان آوردن والی قبرس می‌شود. در انطاکیه پیسیدیه پولس و برنابا وارد کنیسه شده تا اعلام نمایند که عیسی همان مسیح موعود است و خدا او را از مردگان برخیزانیده است. موفقیتی که ایشان نزد بت پرستان علاقمند و «خدا ترسان» بدست آوردند باعث برانگیخته شدن حسادت و دشمنی یهودیان می‌شود و دو رسول از کنیسه و حتی از شهر اخراج می‌شوند. (اع: ۱۳: ۴۴-۵۲).

پولس و برنابا در بازگشت خود به منظور تشویق اجتماعات مسیحی که بنا نهاده بودند از همان شهرها عبور می‌کنند و پیران و مشایخ را به عنوان مسئولان آنها تعیین می‌نمایند. در انطاکیه سوریه همه از شنیدن خبر رواج انجیل بین امتهای و موفقیت آن شاد شدند. اما مسیحیان یهودی الاصل اورشلیم اظهار نگرانی می‌کنند که چطور می‌توان بی‌آن که یهودی مختون شد نجات یافت؟ اختلاف نظر در این مورد منجر به



تشکیل شورای اورشلیم (سال ۴۹ میلادی) شد که طی آن رسالت در میان امتهای به رسمیت شناخته می‌شود. بدون شک کمی بعد از این شورا بود که اختلافی در انطاکیه، بین پولس و پطرس به وقوع پیوست.



### دومین سفر (۵۰-۵۲)

بدنبال عدم توافقی که بین پولس و برنابا بر سر برادرزاده برنابا یعنی مرقس روی می دهد، پولس از او جدا شده و به همراه سیلاس به شهرهایی می رود که در طول اولین سفر خود کلیساهایی را در آنها پایه گذاری کرده بود. برنامه سفر توسط روح القدس و رویایی که پولس می بیند مطرح و پیش بینی شده است. (اع ۱۶: ۶-۱۰). پولس و سیلاس آسیا را به مقصد مکادونیه ترک کردند. در شهر فیلیپی یعنی اولین کلیسای اروپا، در خانه زنی به نام لیدیه جمعی تشکیل می شود. دوره اقامت پولس در این شهر بسیار دوره پرتحرکی است ولی به خوبی پایان می پذیرد (اع ۱۶: ۱۶-۴۰). همین طور دوره اقامت وی در تسالونیک جایی که یهودیان مشکلاتی را بر علیه ایشان ایجاد می کنند نیز بسیار پرتحول می باشد. در آن پولس سعی می کند تا موعظه خود را با درک علمای آنجا تطبیق دهد ولی موفقیت چندانی بدست نمی آورد چون به نظر فلاسفه یونان برخاستن از مردگان امری نامفهوم است (اع ۱۷: ۱۶-۳۴).

در قرنتس درست خلاف این مطلب صدق می کند، انجیل در قلب کارگران بندر، تاجران و بردگان نفوذ می کند پولس نزد زوجی یهودی به نام آکیلا و پرسکله که از روم اخراج شده بودند اقامت می کند. و به عنوان نساج مشغول به کار می شود. یهودیان در مقابل غالیون، والی شهر، پولس را متهم می کند که نظم عمومی را برهم می زند و بعد از آن که تبرئه می شود مدت یک سال و نیم (سال ۵۱ الی ۵۲) در قرنتس می ماند (اع ۱۸: ۱-۱۷). در آنجاست که اولین نامه خود را به کلیسای تسالونیک که سال قبل تشکیل یافته است می نویسد. سپس از آنجا به مقصد افسس سوار کشتی می شود و بعد به قیصریه و انطاکیه می رود.

### سومین سفر (۵۳-۵۸)

به محض فرارسیدن بهار پولس به سوی کلیساهای آسیای صغیر حرکت می‌کند. موعظه‌ای که در کنیسهٔ افسس می‌کند باعث بروز اختلافاتی می‌شود که او را مجبور می‌کند تا به مدت دو سال سالن مدرسه‌ای را برای تعلیم دادن اجاره نماید (اع ۱۹:۱-۱۰). پولس به غلاطیان و قرنتیان که اجتماعشان توسط مخالفانی که به اختیارات وی اعتراض داشتند تکه پاره شده بود نامه‌هایی می‌نویسد. در واقع پولس در افسس تنها نیست بلکه گروهی به همراه او هستند که می‌توان از میان آنها تیموتائوس و تیتوس را نام برد. عمل ایشان مؤثر واقع می‌شود و بعضی از نویمانان کتابهای جادوگری خود را می‌سوزانند. بت پرستان که از حسادت و غضب پر بودند شورش بر علیه پولس در تماشاخانهٔ بزرگ شهر افسس برافروخته می‌اندازند. پولس مجبور به ترک این شهر شده و به قرنتس باز می‌گردد تا زمستان سالهای ۵۷ و ۵۸ را در این شهر به سربرد، جایی که کلیسای جوان آن بر اثر تفرقه‌ها به لرزه درآمده است. او برای کلیسای روم نامه‌ای می‌نویسد در حالی که شناختی از آن ندارد ولی قصد دارد به آنجا برود چون این شهر در واقع مرکز دنیای بت پرستان است (اع ۱۹:۲۱).

بعد از برگزاری مراسم عید قیام در فیلیپی پولس از طریق ترواس وارد آسیا می‌شود. در طی مراسم عشاء ربانی که به طور شبانه برگزار می‌شد و بسیار به طول انجامیده بود، جوانی به خواب رفته و از طبقه سوم به زیر افکنده می‌شود و جان می‌دهد ولی پولس او را دوباره زنده می‌کند (اع ۲۰:۷-۱۲). پولس برای این که بتواند روز پنطیکاست در اورشلیم باشد سوار کشتی می‌شود. در توفقی که کشتی وی در میلیتس داشت خداحافظی تأثر انگیزی با پیران کلیسای افسس انجام می‌دهد و می‌گوید: «این را می‌دانم که دیگر روی مرا نخواهید دید» (اع ۲۰:۳۸-۱۷). پولس در انتظار مشکلات زیادی بود چون دشمنان یهودی او بر علیه اش توطئه می‌کردند و



کشتی آنها متلاشی می شود و مقابل جزیره ملیطه به گل می نشیند. ۲۷۶ مسافر، ملوان و سپاهی به علت خونسردی پولس همگی به سلامت نجات می یابند. در بهار سال ۶۱ میلادی یعنی در آخرین مرحله این سفر دریایی به پوطیولی رسیده و از آنجا از طریق فورن اپیوس به روم می روند. پولس در انتظار محاکمه خود مدت دو سال در خانه ای که اجاره کرده بود سکونت می کند و در طول این مدت سربازی مسئول مراقبت از او است. او در خانه خود افراد را می پذیرد و آنها را تعلیم می دهد. او نامه هایی برای کلیسای کولسی و افسس می نویسد. در اینجاست که اُنسیمُس، غلام فلیمون که از خانه او گریخته بود ایمان می آورد و پولس او را نزد ارباب خود باز می فرستند.

### پایان زندگی پولس

تصور می شود پولس بعد از گذراندن دو سال حبس احتیاطی آزاد شده باشد. اما بعداً چه می کند؟ اطلاعاتی که در دست داریم تنها از طریق کتاب اعمال رسولان به دست نیآورده ایم بلکه از نامه هایی که در خصوص فعالیت های شبانی به دو تن از «شبانان» انجمنها یعنی تیطس در کرت و تیموتائوس «پسر حبیب او» در افسس نوشته است نیز کمک گرفته ایم. ولی آیا خود پولس این نامه ها را نوشته است؟ چرا زبان، زمینه های فکری و الهیات آنها با سایر نامه های پولس فرق دارد؟ بر اساس این نامه هایی که در خصوص فعالیت های شبانی هستند و چند شهادت قدیمی دیگر، گمان برده می شود که پولس سفر دیگری به اسپانیا، کرت، افسس و مقدونیه کرده باشد و سپس دوباره در روم دستگیر شده است. دومین نامه تأثر انگیزی که پولس پیر به تیموتائوس می نویسد حاکی از آن است که او در انتظار محکومیت خود است و خود را برای مرگ آماده می کند. بنا به روایات قدیمی در نزدیکی روم در راه «اُستی» (کلیسای حاضر Saint Paul- hors-les- murs) به هنگام جفای نرون در سال ۶۷ یا شاید پیش از آن در سال ۶۴ سر از تن پولس جدا می شود.

در اورشلیم قدرت مطلق در دست آنان بود. سفر دریایی در تیولامیس به پایان می رسد. در قیصریه آغابوس نبی در مورد دستگیری پولس پیشگویی می کند (اع ۲۱:۸-۱۴). پولس علی رغم تقاضای دوستانش عازم اورشلیم می شود.

### دستگیری

علی رغم احتیاط هایی که یعقوب و پیران کلیسا به عمل آورده بودند تا احتمال بروز خطر را برای پولس محدودتر نمایند، یهودیان مردم را بر علیه پولس تحریک می کنند و او را متهم می سازند که با وارد کردن بت پرستان به معبد، آنجا را نجس ساخته است و می خواستند که او را به قتل رسانند (اع ۲۱:۲۷-۳۶). او در شورای عالی یهود محاکمه می شود. مین باشی که توسط خواهرزاده پولس اطلاع یافته بود یهودیان قسم خورده اند که پولس را بکشند او را شبانه همراه با مأموران به قیصریه روانه می کند (اع ۲۳:۱۲-۲۴). فیلیکس والی، پولس و مدعیان وی را به حضور می پذیرد ولی قضاوتی در مورد ایشان نمی کند. پولس دو سال در زندان باقی می ماند. به محض آن که والی جدید در سال ۶۰ میلادی از راه می رسد دوباره او را به حضور می پذیرد. اما پولس برای آن که باز به اورشلیم فرستاده نشود در خواست تشکیل دادگاهی در حضور قیصر می کند. عنوان «شهروند رومی» این حق را به او می دهد که چنین درخواستی داشته باشد.

هنگامی که پولس زندانی را توسط کشتی به روم منتقل می کنند لوقا نیز همراه او است و از این سفر دریایی داستانی هیجان انگیز برجای می گذارد (اع باب ۲۷ و ۲۸). همه چیز تا کرت خوب پیش می رفت تا آن که کشتی کمی قبل از زمان تعطیل کشتیرانی به آنجا می رسد (از یازدهم ماه نوامبر تا دهم ماه مارس به علت این که کشتیرانی در دریا خطرناک بود این کار تعطیل می شد). پولس که قبلاً سه بار در دریا غرق شده بود و به همین علت محتاط بود به آنها توصیه می کند که زمستان را در جزیره به سر برند ولی آنها به حرفهایش گوش نمی دهند. کمی پس از آن که در امتداد کرت به پیش می روند باد شمالی-غربی برمی خیزد و کشتی را به طرف جنوب به پیش می برد. مدت چهارده روز به علت طوفان از مسیر خود منحرف شده و بالاخره



## سفرهای پولس

یک نگاه ساده به تصویر صحنه بعد است تا دریا بیم پولس تقریباً در تمام شهرهای بزرگ مشرق زمین و امپراتوری روم اقامت کرده است. توضیح چند نکته در مورد این شهرها کمک خواهد کرد تا فعالیت‌های پولس و همراهانش را بهتر ارزیابی کنیم.

### انطاکیه سوریه

شهر کنونی انطاکیه واقع در کشور ترکیه، عملاً نتوانسته است آثار باستانی با عظمتی را که مربوط به دوره ای می شوند که این شهر پایتخت امپراتوری سلوکیه بوده و یا دوره بعد از آن، هنگامی که این شهر یک ایالت رومی در سوریه به حساب می آمده را حفظ نماید. به علت وجود بندر سلوکیه در همسایگی این شهر، انطاکیه یکی از بزرگترین مراکز تجاری باستان بوده و سومین شهر امپراتوری بعد از روم و اسکندریه محسوب می شده است.

بارنابا در سال ۴۴ میلادی به این شهر وارد می شود و اجتماعی یهودی در آن می یابد که فرهنگ یونانی را پذیرفته بود. مأموریت او آنقدر وسیع بود که به طرسوس می رود تا پولس را برای کمک به همراه خود بردارد. «شاگردان نخست در انطاکیه به مسیحی مسمی شدند.» (به معنی خواهان مسیح) (اع ۱۱: ۲۲-۲۶). این شهر بزودی تبدیل به مرکز کلیساهای یونانی می شود و همچنین نقطه شروع و پایان سفرهای پولس (اع ۱۳: ۱-۳ و ۱۴: ۲۶-۲۸). مواظب باشید این شهر را با انطاکیه پیسیدی که در ۵۰۰ کیلومتری شرق است اشتباه نکنید جایی که پولس و برنابا در آن نیز اجتماعی مسیحی بوجود آوردند (اع ۱۳: ۴۰-۵۰).

از طریق نامه ها می توان چهار مرحله اساسی را در اندیشه پولس تشخیص داد  
**۱- امید ملکوت.** رساله اول و دوم تسالونیکیان. تاریخ: سال ۵۱ میلادی. در این رسالات پولس مباحث اساسی موعظه اولیه خود را از سر می گیرد و مسیحیان را وامی دارد تا به امید بازگشت ثانویه مسیح زندگی نمایند.

**۲- نجات یافتن توسط ایمان آوردن به عیسی مسیح.** «رسالات طویل». رساله اول و دوم قرن‌تینان، غلاطیان و رومیان. تاریخ: سالهای ۵۶ الی ۵۸ میلادی. این فکر، ذهن پولس را به خود مشغول کرده است که شخص ایماندار توسط اعمال خود یا انجام شریعت یهود عادل شمرده نمی شود بلکه توسط ایمان به عیسی مسیح. کلیسا، اجتماع کسانی است که خدا در پسرش آنها را نجات داده است.

**۳- عیسی مسیح منجی عالم.** رسالاتی که به «رسالات اسارت» معروف هستند یعنی فیلیپیان، کولسیان، افسسیان و فلیمون. تاریخ: از سال ۶۱ میلادی به بعد. پولس مدت زیادی در زندان قیصریه به سر برده و وقت کافی برای

اندیشیدن داشته است! بویژه در مورد اغتشاشی که در کولسیه پیش آمده بود (آنها علاقه مند بودند تا از مسیح واسطه ای بین خدا و انسان در میان سایر واسطه ها بسازند). این طرز فکر او را وامی دارد تا مسیح را در جهان و در تاریخ قرار دهد. کولسیان باب ۱: ۱۵-۲۰ و افسسیان ۱، هر دو خلاصه ای از این دوران می باشند.

**۴- نگهداری امانت ایمان:** رسالات مربوط به «امور شبانی»: تیطس، رساله اول و دوم تیموتائوس. تاریخ: بطور یقین بعد از مرگ پولس رسول در سال ۶۷ میلادی. این نامه ها کاملاً و یا تقریباً در مورد اعمال شاگردانی است که به اندیشه پولس رسول وفادار باقی مانده اند. باید ایمان واقعی را حفظ کرد و اجتماع مسیحیان را که رو به گسترش است سازماندهی نمود.

مشکلات زیادی از نظر تاریخ و صحت رسالات بویژه در خصوص رسالات «اسارت» بوجود آمده است، ولی این امر مانع از خواندن آنها نمی شود! از همان قدیم معروف بوده که رساله به عبرانیان توسط پولس نوشته نشده است.

## افسس

افسس، پایتخت ایالت آسیا، در آن زمان ۲۰۰۰۰۰ نفر سکنه داشته است. این شهر به خاطر داشتن بندری در دریای اژه که امروزه به علت پس روی آب دریا زیر ماسه ها مدفون شده و همچنین معبد ارطامیس، بتی که شبیه الهه باروری بوده و تعداد زیادی پستان داشته است حائز اهمیت بوده. این پرستشگاه که یکی از عجائب هفتگانه باستانی می باشد زائران مشرق زمین را به طرف خود جلب می کند. غیب گویان، سازندگان طلسم و جادوگران در آن بسیار هستند. پولس در این شهر با یهودیانی ملاقات می کند که با خواندن ورد و دعا دیوها را بیرون می کردند.

او مدت دو سال از سال ۵۴ الی ۵۶ میلادی در این شهر اقامت می کند و به خیمه دوزی می پردازد و در ساعت نهار و استراحت دیگران را تعلیم می دهد (اع ۱۹:۹-۱۰). موفقیت آمیز بودن موعظه های پولس باعث شد تا شورشی از جانب زرگرانی که تصاویر بتکده را می ساختند برپا شود، تماشاخانه ای که این اتفاق در آنجا رخ می دهد هنوز هم به چشم می خورد. پولس در آخرین سفری که قصد داشت به اورشلیم بکند وصیت نامه رسولی خود را در شهری که مجاور افسس بود یعنی شهر ملیتس به کشیشان کلیسا می سپارد (اع ۲۰:۱۷-۳۸).

## قیصریه

این بندر کوچک فنیقیه به کمک هیروودیس کبیر تبدیل به بندری استراتژیک در تمامی یهودیه شده بود. به هنگام افتتاح این بندر در سال ۱۰ پیش از میلاد مسیح، او این بندر را به نام دوست خود آگوستین نام گذاری می کند و نیز معبد و مجسمه ای عظیم را که از دور دست قابل رؤیت بود به وی اهدا می کند. بعد از هیروودیس، قیصریه مرکز اداری یهودیه و در نتیجه اقامتگاه والیان می شود. ساکنان آن بیشتر بت پرست می باشند. پولس برای اولین بار مردی بت پرست یعنی کورنلیوس، سردار رومی، را تعمیر می دهد (اع باب ۱۰). پولس بارها در این بندر پیاده شده و یا سوار

## آتن

در زمان پولس آتن تمام قدرت سیاسی خود را از دست داد. این شهر بزرگترین شهر دانشگاهی امپراتوری بود که نخبگان از آن برخاسته بودند و ادبیات، علوم و به خصوص فلسفه طبق دو مکتب عقلانی رواقیون و اپیکوریان تدریس می شد. شهر، همانطور که پولس ملاحظه می کند بسیار مذهبی باقی مانده بود (اع ۱۷:۱۶-۲۱). پولس در بالای تپه مریخ برای عموم حرف می زند. همچنین در مقابل آریویاگی و شورای دانشگاهیان نیز به صحبت می پردازد و آنها او را واعظ خدایان بیگانه تصور می نمایند. ولی تمام تلاشهایی که در جهت سخنرانی در خصوص عیسای قیام کرده به عمل می آورد با عدم موفقیت روبرو می شود. او بعد از آن نسبت به این حکمت انسانی سوء ظن پیدا می کند.

## قرنتس

قرنتس به معنی ملکه دو دریا است. این شهر به علت وجود دو بندر در دو طرف دماغه آن یعنی بندر سانکره واقع در غرب، به طرف دریای اژه و بندر کایون در شرق به طرف دریای لونین است که از نظر تجاری قدرت یافته است. هیچ ترعه ای در آن موجود نیست (تا سال ۱۸۸۱ که ترعه ای در آن وجود نداشت!) به خاطر آن که کشتی ها مجبور نباشند سراسر یونان را دور بزنند کاری کردند تا بتوانند ۶ کیلومتر از دماغه را بر روی جاده ای پوشیده از الوارها به نام «دیولکو» طی کنند.

این شهر ۵۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که دو سوم آنها برده، ملوان و کارگران بندر می باشند. میخانه های بسیاری در این شهر وجود دارند. معبد معروف آفرودیت (الهه عشق) که بر فراز شهر قرار گرفته است، فواحش مقدس را در پناه خود جای می داد. از سوی دیگر شهر قرنتس خوش آوازه نبود. مثلاً اصطلاح «قرنتسی شدن» به معنی «واسطه فحشا شدن!» بوده است. پولس از سال ۵۰ تا ۵۲ میلادی در این شهر اقامت می کند.

## شبان و دانشمند علوم الهی

پولس شخصیت پر محتوایی دارد. او در عین حال که مرد عمل می باشد مرد اندیشه، روشنفکر، عارف و شبان نیز هست. تمام این خصوصیات در حرفه او یعنی رسالت شکوفا می شوند. او تمامی اینها را در اختیار اجتماعات مسیحی نوپایی قرار می دهد که بخاطرشان سراپا جنب وجوش و اشتیاق است. ما در اینجا تأملی داریم بر نحوه متحد شدن عمل و اندیشه پولس به خاطر نگرانیهایی که در مورد کلیساها داشت. مراجعی که در این مقاله ذکر شده اند طبیعتاً می توانند کمک کنند تا سفر کوتاهی به نامه های پولس و کتاب اعمال رسولان داشته باشیم.

### نخست: رسول

پولس خیلی به عنوان خود یعنی «رسول» می بالد. او این عنوان را قبل از هر عنوان دیگری در ابتدای نامه هایش قرار می دهد و هنگامی که به نظر می رسد دیگران نسبت به آن معترض هستند آن را با شدت هر چه بیشتر یادآوری می کند. (۱-قرن ۹: ۱-۲). ریشه واژه *apotre* (رسول) از کلمه ای یونانی می باشد که به معنی فرستاده است. در اجتماعات مسیحی این واژه مضمون خاصی می یابد که مربوط می شود به فرستاده شدن توسط مسیح. پولس در جوار عیسی ناصری زندگی نکرده ولی او را در راه دمشق، قیام کرده ملاقات کرده است. او حقیقت فرستادگی یا «رسالت» خود را از این ملاقات دریافته است. او که یک رسول می باشد انجیل را اعلام می کند و اجتماعات ایمان داران را بوجود می آورد. کار او به عنوان رسول جنبه های عملی شخصیت او را ارضاء می کند. او چهار بار

کشتی می شود. به ویژه از سال ۵۸ تا ۶۰ میلادی قبل از آن که برای محاکمه به روم برود مدت ۲ سال در این بندر تحت نظارت فلیکس و فستوس در زندان به سر می برد.

### روم

هنگامی که پولس در سال ۶۱ برای محاکمه به روم می رسد خانه ای اجاره می کند و تحت حفاظت یک سپاهی باقی می ماند با این حال می تواند هر که را بخواهد به خانه خود بپذیرد. شهری که امپراتور در آن سکونت می کند قابل توجه است. ولی تا سال ۶۴ که سانحه آتش سوزی در آن اتفاق می افتد از مجسمه های سحر آمیزی که نرون به جای محله های از بین رفته نصب می کند در آن خبری نیست. گذشته از منازل ویلایی دولتمندان، ساکنان شهر در ساختمانهایی به نام *insulae* زندگی می کردند که بناهایی بودند شش الی هفت طبقه، ساخته شده از آجر و تیرکهای چوبی که به راحتی طعمه حریق می شوند. اگر چه این شهر توسط ۹ قناتی که چشمه های آب معدنی و آب گرم را به یکدیگر متصل می کردند آبیاری می شد و آبراهه های زیر زمینی آب جاری شده بر روی زمین را خشک می کردند، با اینحال این شهر برای سلامتی محیط نامناسبی داشت. شبها نیز این شهر به اندازه روز پرجنب وجوش بود. در زمان سلطنت آگوست این شهر ۳۲۰۰۰۰ نفر سکنه داشت که با احتساب زنان، کودکان، برده ها و خارجیان به راحتی حدود یک میلیون نفر ساکن این شهر بوده اند. ثروت آن به خصوص از طریق بندر طیبیریا یعنی نقطه آغازین شهر تأمین می شد که بدین ترتیب با تمام بنداری که در دریای مدیترانه بودند رابطه تجاری برقرار می کرد.



## اعمال شبانی و علم الهی

پولس، این مرد عمل و این شبان، کوچکترین مشکلی برای تبدیل شدن به یک دانشمند علم الهی ندارد چون تفکراتش همیشه در خدمت اجتماعات هستند. در راه دمشق او تجربه اسرارآمیز تعلق نوینی را کسب می کند. او متعلق به ملت یهود است، همچنین یک تبعه رومی است ولی اینک عیسی او را گرفتار خود ساخته و او کاملاً متعلق به وی می باشد. به همین علت است که با کمال میل اصطلاحات دشوار علم الهی و روحانی را در مورد اتحاد با مسیح به کار می برد: «زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم هر آینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد» (روم ۶: ۱-۱۴). «هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست» (روم ۸: ۹). تمام این تفکرات به نکات عملی کلیساها منتهی می شوند. تعلق داشتن به مسیح به این معنی است که مثلاً به عمل تعمید آن طوری که اهالی قرن نهم نگاه می کردند، نگاه نکنیم: «من از پولس هستم... من از اپلوس هستم... و من از کیفا». بدون شک اهالی قرن نهم که تحت نفوذ روحیه دسته گرایی حاکم بر جامعه هلنستیان و یا مذاهب اسرارآمیزی که بین مرجع تقلید و مقلد رابطه برتری را برقرار می نماید قرار داشتند، از نو تفرقه هایی را در جامعه مسیحیان وارد می ساختند. از نظر پولس، اجتماع دارای اساس واحدی است که آن مسیح است و تعمید باعث نمی شود که شخص تعمید گیرنده با شخص تعمید دهنده ارتباط پیدا کند ولی باعث می شود که شخص تعمید گیرنده در ارتباط زنده ای با عیسی داخل شود.

همچنین از اتحاد مسیحیان در مسیح می توان نتایجی عملی در مورد شام برادران و مراسم عشای ربانی استنباط کرد. دسته بندی افراد به گروه های ثروتمند و فقیر امری طبیعی نبود (۱- قرن ۱۱: ۱۷-۳۴). همچنین دیگر امکان نداشت قانونی را که طبق آن یک یهودی نمی تواند با شخصی غیر یهودی بر سر سفره غذا بنشیند تبعیت کنند، چون بدین ترتیب در اجتماعاتی که یهودیان و غیر یهودیان در کنار هم زندگی می کردند، مثل اجتماعی که در انطاکیه بود، «زیستن در مسیح» امری غیر ممکن می شد و می بایست مراسم عشای ربانی دو بار و برای دو گروه صورت می گرفت (غلا ۱۱: ۱۴-۱۴).

به مسافرت می رود، از شهرهای بزرگ امپراتوری دیدن می کند و البته همه این سفرها را به خرج خود انجام می دهد. به دو نکته در این خصوص باید توجه داشت: اولین نکته رفتار رسول در مقابل امپراتوری روم است. او از تمام مزایای آن استفاده کرده و آن را در خدمت خود نیز به کار می برد مثلاً جاده هایی که خود رومیان ساخته اند و پولس برای رساندن پیام انجیل آنها را پشت سر می گذارد در واقع یک نعمت غیرمترقبه محسوب می شوند. از سوی دیگر می بینیم که هر بار لازم است او از عنوان «تبعه رومی» خود استفاده کند مثلاً به خاطر آن که ماههای مدیدی در زندان قیصریه مانده بود این عنوان را برای رفع دعوی به قیصر به کار می برد. (اع ۱۶: ۳۵-۴۰؛ ۲۲: ۲۵؛ ۲۵: ۶-۱۲). دومین نکته این است که پولس در خدمتی که به عنوان رسول دارد آزادی کامل خویش را حفظ می کند. هرگز نمی بینیم که بدنبال تکیه گاهی سیاسی نزد «بزرگان» این دنیا باشد و یا برای مساعد تر کردن شرایط خدمت خود دست به توسعه استراتژیک روابط بزند. او با صدای بلند اعلام می کند: «آیا رسول نیستم؟ آیا آزاد نیستم؟ آیا عیسی مسیح خداوند ما را ندیدم؟» (۱- قرن ۱: ۲-۱).

برای آن که اجتماعات مسیحی بتوانند به حیات خود ادامه دهند، پولس تنها به نیروی انجیل و اشتیاقی که برای عیسی دارد متکی است، این همان اشتیاقی است که با همکاران خود در میان می گذارد چون پولس به تنهایی کار نمی کند. بارنابا و مرقس همراه او می باشند، همچنین سیلاس را یاری داده، تیموتائوس را که پسر زنی یهودی و مردی یونانی است به مأموریت می فرستند (اع ۱۵: ۳۶-۴۰؛ ۱۶: ۱-۵). در قرن نهم با آکیلا و پرسکله ملاقات می کند که آنها نیز با وی همکاری می نمایند و ایشان هستند که به نوبه خود اپلوس را تعلیم می دهند (اع ۱۸: ۱-۵ و ۲۴-۲۸). در این اجتماعات نو بنیاد پولس مسئولانی را بر می انگیزاند تا از همه مراقبت نمایند. باید در این مورد سخنان تأثر انگیزی را که وی به هنگام خداحافظی به پیران کلیسای افسس می گوید بخوانید. در اینجا است که امور شبانی و علم الهی به یکدیگر ملحق می شوند: «و الحال ای برادران شما را به خدا و به کلام فیض او می سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع مقدسین شما را میراث بخشد» (اع ۲۰: ۱۷-۳۸).

می دهد چون «محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است» (روم ۵:۵). این محبتی که خدا به ما می دهد منجر به محبت برادرانه می شود که بدون آن زندگی مسیحی امکان پذیر نیست. در اینجا باید شقاوت اجتماع رومی را یادآوری نماییم که در آن دستیابی به برابری و برابری قانونی میسر نبود. پولس که از کسب این تجربه در مسیح احساس توانایی می کرد، اجتماعات مسیحی را به زیستن در این برادری شگفت انگیز در مسیح تشویق می کرد. او تمام عمر خود را به عنوان رسول، معلم علم الهی و شبان صرف این کار می نماید.



پولس بیشتر اوقات خود را با این اصل از شریعت موسی رو در رو می یافت. شاگردان مسیح یهودی بودند و بی تردید حتی بعد از قیام او به انجام جنبه های مختلف شریعت موسی ادامه می دادند و این در حالی بود که به خوبی می دانستند که بعد از این مسیح شریعت جدید و نجات آنها است. اما آیا لازم بود که انجام شریعت موسی را به غیر یهودیانی که به عیسی مسیح ایمان می آوردند تحمیل کرد؟ پولس برای یافتن راه حل می بایست مبارزه کند و مانع از آن شود که واجبات شریعت یهود را به غیر یهودیان تحمیل کنند (اعمال باب ۱۵ و رساله به غلاطیان).

از نظر پولس همه با همدیگر تشکیل بدن مسیح را می دهند و به همین علت دیگر تفاوتی بین ایمان داران در اجتماعات ایشان وجود ندارد. «زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی پسران خدا می باشید. زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید مسیح را در بر گرفتید. هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن زیرا که همه شما در مسیح یک می باشید» (غلا ۳:۲۶-۲۸). بدین ترتیب اجتماعات جوان مسیحی مبدل به مکانهایی می شوند که گوشه هایی از کتب انبیاء در آن نفی می شوند، جایی که تفاوتها در آن رنگ می بازند، بردگان و افراد آزاد، مردان و زنان، یهودیان و یونانیان در کنار یکدیگر به سر می برند در حالی که از برادری خود در مسیح آگاهند و همگی «هموطن مقدسین و از اهل خانه خدا هستند» (افس ۲:۱۹). پولس آنقدرها هم ساده دل نیست و به خوبی می داند که اجتماعی که او را احاطه کرده است به محض شنیدن سخنی عوض نمی شود. اما مسیحیان به همین سرعت با طرز رفتار خود در اجتماعاتشان، نظام اجتماعی را که بر اساس تبعیض طبقاتی و فرق گذاشتن بین گروههای اجتماعی بنا شده بود واژگون می سازند. روزی خواهد رسید که انسانها در عیسی مسیح که برای آنها جان باخت با محبت خواهند زیست و با یکدیگر برادر خواهند شد.

برای به وجود آوردن این دنیای نوین مسیحیان می باید وارد عمل شوند. آنها دعوت شده اند تا طوری رفتار کنند که حس برادری در میان همگان افزایش یابد. این یکی از جنبه های همان چیزی است که پولس نام «زندگی در روح» را به آن

## ملاقات با عیسی

در واقع پولس علی‌رغم پیشرفت‌هایی که از نظر روحانی کرده و رشدی که در حکمت یافته بود باز هم برخلاف از آنچه در ابتدای رسالتش در خداوند قیام کرده به خود نسبت می‌دهد، شخصی غیر قابل درک است. کتاب اعمال رسولان اهمیت زیادی به ملاقات عیسی و پولس در راه دمشق می‌دهد به طوری که این واقعه را سه بار تکرار می‌کند. از آن موقع به بعد او توسط تصاویر و کلیشه‌ها تأکید می‌کند تجربه‌ای شخصی داشته که باعث تغییر وی گشته: «... که برای آن مسیح نیز مرا بدست آورد.» (فی ۳: ۱۲)، «... آیا عیسی مسیح خداوند ما را ندیدم؟...» (۱-قرن ۹: ۱). او که با خوشنت شاگردان عیسی را شکنجه می‌کرد، محیط سابق فریسی خود را ترک می‌کند، او همه چیز را ترک می‌کند: «اما آنچه مرا سود می‌بود آن را به خاطر مسیح زیان دانستم.» (فی ۳: ۸).

## صحت پیغام

پس عیسی، خداوند و استاد می‌شود که بعد از این در پولس ساکن می‌شود. اما آیا می‌توانیم مطمئن باشیم که او سخنان و تعالیم عیسی را تحریف نکرده است؟ چون اعمال پولس به شدت توسط یهودیت حاکم بر کلیسای اولیه رد شده است پس حق داریم فکر کنیم که صحت گفتار او بر همه آشکار نبوده است.

ابتدا باید توجه کرد که پولس واعظ عزلت‌طلبی که بعضیها توصیف می‌کنند نبوده است. او بعد از آن که ایمان آورد تعلیمی یافت که در تعالیم انجیلی ریشه دوانده است. اصطلاح «من از خدا یافتم» را که گاهی اوقات به کار می‌برد نباید به عنوان مکاشفه‌ای مستقیم و لحظه‌ای تعبیر نمود بلکه پولس عیسی را از خلال تعمق در کلیسا «یافته» است.

گاهی باعث تعجب است که او هرگز ذکری از اناجیل به میان نمی‌آورد. واقعیت این است که او کوچکترین اطلاعاتی در مورد عیسی‌ای تاریخی در اختیار ما قرار نمی‌دهد. اگر تنها منبع ما نوشته‌های پولس بودند ما فقط می‌توانستیم بفهمیم که

## از عیسی تا پولس

بعد از مطالعه چهار انجیل هنگامی که به رسالات پولس می‌رسیم احساس می‌کنیم که وارد دنیای دیگری شده‌ایم. این موضوع آنقدر حقیقت دارد که بعضی تصور نموده‌اند که پولس پیغام ساده و مردمی یک واعظ ناصری را مبدل به یک سیستم مذهبی پیچیده و مؤثر نموده است. به بیانی دیگر او مذهب مسیحیت را اختراع کرده است. پس آیا پولس رسول وفادار عیسی است یا شیادی نابغه؟

## دنیای اطراف پولس

عیسی و پولس عملاً هم دوره می‌باشند. بافت فکری هر دوی ایشان از مطالعه و تعمق نمودن در تورات شکل گرفته است. پولس شخصی یهودی بود که در اسرائیل سکونت نداشت، او زمانی به اورشلیم می‌آید که شخصی بزرگسال بوده و وارد مدرسه‌ی غمالاتیل می‌شود. شاید در طول این سالها او با عیسی ملاقات کرده باشد ولی متونی که در دست داریم چیزی در این مورد نمی‌گویند. مخالفتهای بین این دو شخصیت به علت تفاوت اهدافشان تشدید می‌شود. عیسی بیشتر وقتها برای مردم عادی صحبت می‌کند. پولس فردی تحصیل کرده است و با تمامی قوانین تفسیر تورات که در آن دوره متداول بوده آشنایی داشته است. او مخصوصاً در دنیای دیگری نیز غوطه‌ور بود. مردان و زنانی را که در آسیای صغیر ملاقات می‌کند غالباً تحت تأثیر مذاهب رازگونه و یا فلسفه‌ی رواقیون یا فریبه‌های عرفانی بودند. در یک کلمه می‌توان به اختصار گفت که دنیای اطراف پولس و خوانندگان رسالات او در قطب مخالف دنیای روستایی فلسطینیان مذکور در انجیل قرار دارد. بدین ترتیب است که می‌توان این دو نفر را که با یکدیگر ضدیت دارند توصیف نمود، در میان ایشان گودالی از اختلافات هست که نباید از آن عبور کرد.

می توان در شش نکته ای که ذیلاً آمده است به طور خلاصه مشاهده نمود، این موارد بطور مرتب در تعالیم پولس ذکر شده اند:

- \* عصر و دوره مسیح که توسط انبیاء اعلام شده بود فرارسیده است (روم ۱:۲).
  - \* به کمال رسیدن زمانها توسط مأموریت عیسی، مرگ و قیام او به حقیقت می پیوندد (روم ۳:۱؛ غلا ۱:۴-۱-۱۵؛ ۳-۴).
  - \* عیسی جلال می یابد (روم ۸:۳۴؛ فی ۲:۹).
  - \* روح القدس همچون نشانه حضور عیسی به کلیسا داده می شود (روم ۸:۲۶؛ ۱-قرن ۱۲:۱).
  - \* عیسی باز خواهد گشت تا به تاریخ پایان بخشد (۱-تسا ۱:۱۰).
  - \* مردم به توبه و پذیرش بخشش خدا دعوت شده اند (روم ۱۰:۹).
- هنگامی که پولس رحمت رایگان خدا نسبت به گناهکاران را اعلام می کند، هنگامی که اسرار ملکوت را بدون در نظر گرفتن پاکی و یا مطابق شریعت بودن افراد بازگو می کند، هنگامی تأکید می کند که قلّه شریعت همانا محبت است در مسیر صحیح پیغام انجیل قرار دارد. زمانی که پولس اعلام می کند پیغام عیسی بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و فرهنگ به همه تعلق دارد نشان می دهد بهتر از بعضی شاگردان اولیه، جهانی بودن پیغام مسیح را درک کرده است. وقتی که از آزادی به عنوان اعتقاد مؤمنان یاد می کند («زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده اید.» غلا ۵:۱۳) تعلیم خود را در زمره تعالیم عیسی و تمامی کتاب مقدس به ثبت می رساند، عیسی موعظه خود در ناصره را این گونه شروع می کند: «روح خداوند مرا فرستاده است تا اسیران را به رستگاری اعلام نمایم» (لو ۴:۱۸).

عیسی از زنی متولد شده است (غلا ۴:۴) و از نسل داود می باشد (روم ۱:۳) و بر روی صلیب جان سپرده است (فی ۲:۸ و ۱-قرن ۱:۲۳). با اینحال همانطور که اشارات صریح و یا ضمنی او به سخنان پیامبر ناصری نشان می دهند او با تعالیم عیسی آشنایی داشته است (مراجع در پایین صفحه ذکر شده اند).

پولس در واقع نسبت به دشمنانی بدگمان است که شناخت خود از عیسای زمینی را به دلخواه طوری استفاده می کنند تا وضعیت خودشان را توجیه کنند. شاید در این قسمت که می خوانیم منظور او همین افراد بوده است: «بنابراین ما بعد از این هیچ کس را به حسب جسم نمی شناسیم بلکه هرگاه مسیح را هم به حسب جسم شناخته بودیم الآن دیگر او را نمی شناسیم» (۲-قرن ۵:۱۶). پولس به شدت به «مسیح و به مسیح مصلوب» علاقه مند است (۱-قرن ۲:۲). در اشاراتی که به عیسی دارد سه مطلب به چشم می خورد: صلیب، قیام و بازگشت قریب الوقوع مسیح.

### خبر خوش

درواقع نبوغ پولس در این است که باطناً تازگی اساسی انجیل را دریافته است. به نظر بسیاری جسارت پولس، گشاده رویی خارق العاده وی نسبت به جهان بت پرستان و راه و روش او با پیغام عیسی ارتباطی نداشت. اما نظری دقیق تر و کلی تر خاطر نشان می سازد که پولس نسبت به اساس انجیل وفادار است. این موضوع را

اشارات صریح	اشارات ضمنی
۱-قرن ۷:۱۰-۱۱ مت ۵:۳۲؛ ۹:۱۹	۱-قرن ۴:۱۲؛ روم ۱۴:۱۲؛ لو ۶:۲۸
مر ۱۰:۱۱-۱۲	۱-تسا ۵:۱۵؛ روم ۱۷:۱۲؛ مت ۵:۳۹
لو ۱۶:۱۸	روم ۷:۱۳؛ مت ۲۲:۱۵-۲۲
۱-قرن ۹:۱۴؛ لو ۱۰:۷	روم ۱۴:۱۴؛ مر ۷:۱۸-۱۹
۱-قرن ۱۱:۲۳-۲۶؛ مر ۱۴:۲۲-۲۵	۱-تسا ۵:۲؛ لو ۱۲:۳۹-۴۰
۱-تسا ۴:۱۶-۱۷؛ مت ۱۶:۲۷	۱-تسا ۵:۱۳؛ مر ۹:۵۰
	۱-قرن ۱۳:۲؛ مت ۱۷:۲۰

### مبشرین اطراف پولس

توسط پولس دوازده نفر از زنان مسیحی را به نام می‌شناسیم. بعضی را فقط نام‌هایشان را می‌دانیم ولی در رساله به رومیان ۱۶:۱۲ پی می‌بریم که مریم، طریفینا و طریفوسا در خداوند «به خود زحمت داده‌اند» («یا زحمت کشیده‌اند»). بنابراین عبارت ذکر شده همان عبارتی است که پولس برای صحبت در مورد کار ترویج انجیل و تعلیم به کار می‌برد.

همچنین افودیه و سنتیخی را در «نبرد مشترکشان برای انجیل» همپایه خود قرار می‌دهد. پرسکله نیز مانند شوهرش صفت «همکار» را دریافت می‌کند در حالی که فیبی به عنوان «خادمه» و «پشتیبان» پولس و بعضی مسیحیان دیگر معرفی می‌شود. به کار بردن چنین کلماتی نمایانگر آن است که این زنان هم‌مطراز رسولان بودند و در مقام تساوی با مردان قرار می‌گرفته‌اند و به هیچ عنوان حالت مثلاً یک نفر زیردست یا حالت یک نفر خدمتکار را در اجتماعات مسیحی نداشته‌اند. مسلماً بسیار تلاش شده تا میزان مسئولیتی را که در کلمه «خادمه» مستتر است کاهش دهند، ولی با مطالعه رسالات پولس و بررسی کاربرد این کلمات در این رسالات درمی‌یابیم که این کلمه بطور حتم نمایانگر فعالیت‌های بشارتی است که شامل تعلیم و موعظه می‌شود.

با توجه به این مسائل بسیار دشوار است که میان تصویری که از پولس در دست داریم و تصویری که توسط رساله او به قرن‌تیان بدست می‌آید وجه تشابهی بیابیم. این کار آنقدر دشوار است که انسان را وامی‌دارد تا نوشته شدن ۱- قرن ۱۴: ۳۴-۳۵ را توسط پولس رد کنیم.

### نه مرد نه زن...

تناقض ظاهری دیگری هم در رسالات پولس وجود دارد که می‌تواند به ما کمک کند و آن هم مربوط به موقعیت بردگان است. پولس تأکید می‌کند که «نه غلام و نه آزاد... زیرا همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید.» زمانی که انیسیمس یعنی آن برده فراری را مجدداً نزد فلیمون می‌فرستد از او درخواست می‌کند تا او را «نه چون

## پولس و زنان

باید این را در نظر داشت که در میان کسانی که طرفدار تساوی حقوق زن و مرد هستند پولس رسول وجهه خوبی ندارد. در واقع، دستورالعمل‌هایی از قبیل «زنان شوهران خود را اطاعت نمایید» یا «زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد» در بسیاری اذهان باقی می‌ماند و مابقی گفته‌های او را محو می‌سازد. این مطلب واقعیت دارد که در طول قرن‌ها کلیسا، ظاهراً بی‌آن که دعوتی برای این کار داشته باشد، از نصایح پولس به طرز افراطی، چه در آیین پرستشی و چه به عنوان توجیه «همه جانبه» مکروه داشتن زنان توسط کششیان که در آن موقع بسیار رایج بود، استفاده می‌جسته است. با این حال اگر می‌خواستند به خود زحمت داده و از نزدیک نگاهی به این نصایح بیندازند متوجه می‌شدند که اقامه دعوی طرفداران حقوق زنان پیشاپیش برنده مسابقه نیست.

### غلاطیان ۳

۲۶ زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی پسران خدا می‌باشید.

۲۷ زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید مسیح را در برگرفتید.

۲۸ هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن زیرا که همه شما در مسیح یک می‌باشید.

بنیادی و وزنهٔ بیش از حد استوار تعالیم مسیحی و فرهنگی به سر می برد. ولی به پولس خیانت شده، نوشته هایش مورد انتقاد قرار گرفته اند و آنقدر آنها را سو تعبیر و تفسیر کرده اند که آنچه از ابتدا پیغامی از آزادی معجزه آسایی بوده که موانع نژادی، طبقاتی و طبیعی را در هم می شکسته تبدیل به سرچشمه و منبع تغذیهٔ زوال ناپذیری بر علیه زنان شده است که بطور مداوم نیز تازه می شود. پس آیا بدین ترتیب پولس رسول این را به ما نمی گوید که: «ای غلطیان بی فهم کیست که شما را افسون کرده است؟»



غلام بلکه فوق از غلام یعنی برادر عزیز» بپذیرد. با اینحال پولس به قانون احترام می گذارد است و غلام را نزد آقای خود پس می فرستد. اگر انیسیمس باید به عنوان یک برادر تلقی شود تنها به این خاطر است که وی مسیحی است و نه آن که پولس نسبت به صحت نظامی که عموم پذیرفته اند شک دارد. پولس در مورد اصول برده داری کوچکترین سؤالی ندارد ولی می داند که تمام مردم از نظر عیسی برادرند. در نظر گرفتن پولس به عنوان یکی از پیشقدمان «حقوق بشر و حقوق شهروندان» همانقدر احمقانه است که تصور کنیم با پس فرستادن انیسیمس قصد داشته نظام برده داری را توجیه کند. آنچه پولس اعلام می کند شیوهٔ جدید زندگی است و نه تجدید سازماندهی روابط اجتماعی.

#### اول قرن‌تین ۱۴

۳۳ چنانکه در همهٔ کلیساهای مقدسان

۳۴ زنان شما در کلیساهای خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن

جایز نیست بلکه اطاعت نمودن چنانکه تورات نیز می گوید. ۳۵ اما

اگر می خواهید چیزی بیاموزند در خانه از شوهران خود بپرسند چون

زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است.

در مورد زنان هم وضع به همین منوال است. او که درگیر تناقض موجود میان جامعه اش (که زنها در آن مقام دوم را داشتند) و اعتقادی بود که به تساوی اصولی میان زنان و مردان در عیسی مسیح نظر داشت، می توانسته به همانطور که از قرن‌تین می خواهد از ایجاد خشم و نفرت در اطرافیان نشان احتراز نماید (مسئلهٔ حجاب در ۱- قرن ۱۱) همانطور با آزادی مقتدرانه ای تأکید نماید که زنان حق دارند پیغام انجیل را اعلام نمایند.

آیا پولس از زنان نفرت دارد؟ مسلماً این طور نیست! پولس که مرد عصر خود است در کشاکش بین مقتضیات زمانه، بدبهیات ضد و نقیض آن و بینشی از تازه های

زیرا او که برای رسالت مختونان در پطرس عمل کرد در من هم برای امتها عمل کرد. پس چون یعقوب و کبفا و یوحنا که معتبر به ارکان بودند آن فیضی را که به من عطا شده بود دیدند دست رفاقت به من و برنابا دادند تا ما به سوی امتها برویم چنانکه ایشان به سوی مختونان جز آن که فقرا را یاد بداریم و خود نیز غیور به کردن این کار بودند. یوحنا ارکان هستند و مراجعی که

اگر همه رسولان انجیل با یکدیگر دست به دست می دادند... به عنوان نشانه اتحاد، مسئولیت اعلام انجیل به همگان بین افراد تقسیم می شود. این مأموریت ابعاد متفاوتی دارد، هرکس برحسب عطیه روح. بشارت انجیل به فقرا و حمایت مادی از آنها آزمایشی است که از صحت ادعای ایشان به عمل می آید. پطرس، یعقوب (برادر خداوند و اسقف اورشلیم) و یوحنا ارکان هستند و مراجعی که

اما چون پطرس به انطاکیه آمد او را روبرو مخالفت نمود زیرا که مستوجب ملامت بود. چونکه قبل از آمدن بعضی از جانب یعقوب با امتها غذا می خورد ولی چون آمدند از آنانی که اهل ختنه بودند ترسیده باز ایستاد و خویشان را جدا ساخت.

از نظر پولس، پطرس زیر بار فشارهای وارده از پا در آمده بود. هنگامی که مسیح دستگیر، در موقع رنج کشیدن وی خدمتکاری باعث شده بود که پطرس مسیح را انکار کند و حالا کسانی که از جانب یعقوب فرستاده شده بودند باعث شده بودند تا با امتها غذا نخورد. او که شخص ترسویی بود خود را پنهان می کند و امتها را رها می کند. او ترجیح می دهد که

آن مبشر پیشرفته قبلی نباشد تا مورد عدم رضایت سنت گرایان واقع نشود. پولس دل شکسته می شود. سرباز زدن از غذا خوردن با امتها و گسستن اتحاد با همه امر ساده ای نیست. پولس خشمگین می شود و نقاب از چهره این عمل یعنی سرباز زدن از خوردن غذا با امتها برمی دارد و با پطرس که باید ستون جنبش ناپذیری باشد رها می کند. او ترجیح می دهد که

## پولس در مقابل پطرس

(رساله به غلاطیان ۲: ۱-۱۴)

پس بعد از چهارده سال با برنابا باز به اورشلیم رفتم و تیطس را همراه خود بردم. ولی به الهام رفتم و انجیلی را که در میان آنها بدان موعظه می کنم بایشان عرضه داشتم.

از زمانی که پولس ایمان آورده بود مدتها می گذشت. او به طور رسمی آنچه را که بر سر راه دمشق به آن ایمان آورده بود و آن را به امتها تعلیم می داد اعلام می کند: عیسی نور امتها است و دیگر هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی بلکه فقط قوم خدا. دیگر مختونی و

نامختونی یا غذایی که خوردن آن حرام باشد وجود ندارد بلکه اینک زندگی در روح مهم است و تعمید آغاز این زندگی است. ناقص کردن انجیل به علت ترس از بدنامی در واقع انکار آن می باشد و پولس غلاطیان را از چنین خیانتی برحذر می دارد.

لیکن تیطس نیز که همراه من و یونانی بود مجبور نشد که مختون شود. و این به سبب برادران کذب بود که ایشان را خفیه در آوردند و خفیه درآمدند تا آزادی ما را که در مسیح عیسی داریم جاسوسی کنند و تا ما را به بندگی درآورند.

کلمات به کار رفته بسیار با معنی هستند: مجبور شدن، در خفا ظاهر شدن، جاسوسی کردن، به بندگی در آوردن. آزادی در مسیح بدون وقفه در خطر است و بدبختی موقعی است که از روی لطف یا ترس تسلیم شویم. پولس و همراهانش تحت نظر بودند.

می خواستند پولس را نیز مثل عیسی در موقع انجام اشتباه یا ارتکاب جرم نسبت به شریعت به دام بیندازند. اما عیسی ما را به این خاطر آزاد نکرده است تا دوباره در قید بندگی شریعت یا روحیه فریسی شریعت گرا گرفتار شویم.

## گروههای کتاب مقدسی

به آن دسته از دوستانی که در گروههای کتاب مقدسی فعالیت دارند و برنامه سال آینده آنها بررسی نوشته های پولس رسول می باشد پیشنهاد می کنیم تا نخستین جلسه خود را به شناختی اولیه و کلی از پولس رسول توسط این شماره از «فرازهایی از کتاب مقدس» اختصاص بدهند. البته آنچه ذیلاً ذکر شده است می تواند افرادی را که تنها قصد دارند برای آشنایی با این رسول بزرگ به دور این شماره از مجله گرد هم آیند نیز راهنمایی کند.

### آمادگی فردی

به منظور تبادل هر چه بهتر، از هر یک از شرکت کنندگان دعوت می شود تا با فعالیتی فردی در جهت آمادگی خود اقدام نمایند که این کار می تواند شکلهای زیر را به خود بگیرد.

- کار خود را با مطالعه کامل رساله کوتاهی که پولس به فیلیپیان نوشته آغاز کنید و در طول مطالعه خود از تذکراتی که در «یادداشتهایی برای تمعق» در قسمت «مطالعه رساله به فیلیپیان» تحت عنوان «نخستین دیدار» آمده است استفاده نمایید.

- سپس قسمتهای بعدی را که در این کتابچه چاپ شده است خوانده و زیر نکات اساسی آن خط بکشید.

فراوش نکنید که متن اصلی نوشته های پولس را که در این قسمتها آمده است از روی کتاب مقدس بخوانید. تلاش برای آماده سازی خود می بایست فقط چند روزی پیش از ملاقات گروه کتاب مقدسی انجام شود والا اثری که می تواند داشته باشد به علت فراموشکاری افراد به طرز قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت.

... به حدی که برنا با هم در  
نفاق ایشان گرفتار شد. ولی چون  
دیدم که به راستی انجیل به  
استقامت رفتار نمی کنند پیش  
روی همه پطرس را گفتم اگر تو  
که یهود هستی به طریق امته و نه  
به طریق یهود زیست می کنی  
چون است که امته را مجبور  
می سازی که به طریق یهود رفتار  
کنند.

اختلافاتی که در انطاکیه  
بوقوع پیوست مشکلاتی را که  
اولین اجتماعات مسیحی برای  
بشارت دادن داشتند آشکار  
می سازد. قضاوتی که پولس در  
مورد پطرس کرده بود می باید  
تعدیل شده باشد و نمی دانیم که  
آیا آخر الامر اجتماع مسیحی به  
پولس حق داده است یا خیر. اگر  
رفتارهای خشک یعقوب و پطرس  
را در نظر بگیریم در این میان  
وضعیت بینابین پولس است که به  
نظرمی رسد موفق بود، و روش او  
را در رساله به رومیان باب ۱۴  
مشاهده می کنیم.

«کسی را که در ایمان ضعیف باشد  
بپذیرید لکن نه برای محاجه در  
مباحثات. یکی ایمان دارد که همه  
چیز را باید خورد اما آن که ضعیف  
است بقول می خورد.» تمامی این  
باب نمایانگر توجهی است آکنده  
از ترحم و کمتر خشونت در آن به  
چشم می خورد و نیز درکی عمیق و  
مفاهیمی متوازن تر از اعمال شبانی  
کشیشان که می بایست برای همیشه  
خط مشی کلیساها باشند در آن دیده  
می شد.



رسول حائز اهمیت است، در چند عبارت کوتاه توضیح بدهد و همچنین توضیح بدهند که به نظر آنها امروزه کدام جنبه پیغام پولس است که روشن ساختن آن در مرکز اجتماعات مسیحی که هر یک از آنها در آن جایی برای خود دارند مهم می باشد.



## چگونگی برگزاری جلسه گروه کتاب مقدسی مرحله اول

بر اساس تلاشهایی که برای آماده سازی خود جهت شرکت در این جلسه صورت گرفته است گروه به سرعت و از حفظ کارت شناسایی پولس را حاضر می کند:

• اصل و نسب او • ریشه هایش • ظهور او در کتاب مقدس • شغل

او

- موقعیت قانونی او در مقابل حکومت روم
- مراحل مهم زندگی او (نباید وارد جزئیات شد).
- خطوط اساسی شخصیت و احساسات او.

## مرحله دوم

تجربه ای که پولس در گرویدن به آیین مسیح کسب کرد تمامی وجود این رسول مسیح را به طرز عمیق تحت تأثیر قرار داد. قسمت‌هایی را که پولس در آنها به این تجربه خود اشاره می کند مطالعه نمایید: غلا ۲:۲؛ ۱-قرن ۹:۱؛ ۱-قرن ۱۵:۸. چرا افعالی که در غلاطیان و قرتیان به کار گرفته شده اند یکی نیستند؟ (الهام یافتن/ دیدن).

در کتاب اعمال رسولان ماجرای ایمان آوردن پولس را در باب نهم مطالعه کنید (آیات ۱-۱۶). آیا همین افعال را دوباره نمی بینیم؟ به چه علت؟ اگر گروهتان در جواب دادن به سؤالات این مرحله دچار مشکل شد به مقاله ای که تحت عنوان «ایمان پولس» نوشته شده است مراجعه کنید. با تکیه بر مقالات این کتابچه، بارزترین اعتقادات پولس و محور حکمت الهی او را علامتگذاری نمایید و آنها را به ترتیب اهمیت دسته بندی کرده یا روابط موجود میان آنها را روشن سازید.

## مرحله سوم

هر یک از شرکت کنندگان به ترتیب ایفای نقش، آنچه را که به نظرش در پولس

بدین شکل درست کنید: موقعیت، مرد، موت، اسم، خدا، غلام، خداوند... ترجمه های مختلف و قطعات پیشنهاد شده را در آیات مختلف با هم مقایسه کنید. ابیات این سرود را بشمارید و بیتهای آن را از نو بسازید. خودتان برنامه خودتان را تهیه کنید.

### متون متوازی

در عهد عتیق متنی وجود دارد که به خوبی این سرود را برایمان روشن می سازد و آن اشعیا ۵۲:۱۳ تا ۵۳:۱۲ می باشد یعنی شعر بزرگ خادم رنج دیده. این متن را با مزمور بیست و دوم مقایسه کنید. سایر متنهای عهد جدید همین اندیشه متناقض فروتن گشتن و متعال شدن را توصیف می نمایند به عنوان مثال: لوقا ۲۴:۲۶ و ۴۶-۴۷ همینطور کول ۱:۱۵-۲۰ و روم ۹:۵؛ عبر ۲:۵-۱۸:۴:۱۴ الی ۵:۱۰؛ ۱۲:۱-۴. در انجیل یوحنا این مسئله بوسیله عمل شستن پاها به نمایش در می آید: یوحنا ۱۳:۱ تا ۱۷:۱۳. لوقا با به تصویر کشیدن قیام عیسی او را متعال خوانده است: لوقا ۲۴:۵۱-۵۲ و اع ۹:۱. همچنین عبرانیان باب اول و مکاشفه باب پنجم را ملاحظه نمایید.

### جهت یابی برای امروز

علی رغم زانوزدنها و حالاتی که در هنگام مناجات به خود گرفته است باز هم نمی توان قبول کرد که این متن یک سرود شکرگذاری باشد. امکان دارد که این نخستین قانون ایمان باشد که پولس در انطاکیه سوریه آموخته است. بسیار جالب خواهد بود اگر آن را به موازات اعتقادنامه رسولان یا قانون ایمان نیقیه - قسطنطنیه (در کتاب آیین ربانی) قرار دهیم. روحانیت کلیسایی خادم و تهی دست که در واتیکان دوم به درجه افتخار نائل آمده است در این مطلب ریشه دارد که: غلام از آقای خویش بزرگتر نیست. رساله فیلیپیان ۲:۶-۱۱ یکی از مرکزی ترین متون علم الهی است که طی آن مسیح جسم می گیرد. این متن آزمایشی است از نحوه برداشت ما از انسانیت مسیح و نیز نحوه صحبت ما از این امر. این وسوسه همیشه وجود داشته

## سرودی برای فیلیپیان (فیلیپیان ۲: ۶-۱۱)

### زمینه های سرود

فیلیپیان چه کسانی هستند؟ آنها نخستین اروپائیهایی هستند که به هنگام «گذر پولس از مقدونیه» بشارت را می شنوند. لیدیه و پذیرایی او را به خاطر دارید؟ (اع ۱۶:۱۱-۴۰ و فی ۱:۳-۸). پولس رساله خود را کی و در کجا می نویسد؟ بیشتر متخصصین بر این باور هستند که او رساله خود را در افسس (حدود سالهای ۵۶-۵۷ میلادی) نوشته است، اگر چه نظریه ای که دال بر وجود ریشه های رومی در این رساله می باشد (حدود سالهای ۶۱-۶۳ این نظریه رواج یافته است) هنوز دارای طرفدارانی قابل توجه است. پولس که شخصی عبرانی، درس خوانده و یک تبعه دولت روم است به خاطر مسیح در اسارت به سر می برد. او که از شرایط اجتماعی بالایی برخوردار است تا حد یک غلام نزول کرده، درست مانند مسیح خادمی رنج دیده است. ولی فروتنی او برای همه موفقیتی به حساب خواهد آمد. واضح تر بگوییم متن این رساله مابین تشویق (۲:۱-۵) و دعوت به گرویدن به آیین جدید، تقدیم خود و مأموریت قرار گرفته است.

### بررسی دقیق متن

کلمات به کار رفته مسیر و مراحل را توصیف می کنند: کلمه های کلیدی و اصطلاحاتی که به یکدیگر مربوط می باشند کدام هستند؟ افرادی که در این جنبش نقشی برعهده دارند چه کسانی می باشند؟ نقش آنان چیست؟ اصطلاحات مترادف، متضاد و آنهایی که تکرار شده اند را یادداشت کنید. برای تأکید بیشتر نموداری

۱- نام عیسی و عنوان مسیح. ۲- کلمه «انجیل» ۳- اصطلاحاتی که بیانگر شادی می باشند، یادداشت کنید.

به نظر می رسد که در اینجا ۳ شاهرگ اصلی رساله را در دست داریم. اولین مشاهده ما چه چیزی را در خصوص ایمان پولس به ما می آموزد؟ — پولس چه جایگاهی را به عیسی می دهد؟ چه چیزی آنها را با یکدیگر متحد ساخته است؟

— اساسی ترین فعالیت پولس رسول چیست؟

— آیا شادی پولس تنها به خاطر سعادت است که در نوشتن رسالات به دوستانش نصیب وی شده است؟ (ر. ک ۱:۸:۴:۴).

### دومین بررسی:

بررسی دوم ما در مورد احساسات پولس و اطلاعاتی است که او در مورد خود در اختیارمان قرار می دهد (باب ۳:۴-۱۶:۴:۱۰-۱۸ را مخصوصاً مطالعه نمایید).

پولس رسول محبت خاصی نسبت به اجتماع مسیحیان فیلیپی دارد. تا جایی که می دانیم این اجتماع نخستین بنایی است که پولس در خاک اروپا ایجاد کرده است. آیا این کار او برایش به معنی پیشرفت انجیل «تا اقصی نقاط دنیا نبود (اع ۱:۸)؟» اجتماع فیلیپیان تنها اجتماعی است که پولس از آن کمک نقدی می پذیرد (۴:۱۵-۱۶) در حالی که معمولاً به کار کردن خود برای حفظ بقای خویش افتخار می کند. در اینجا محبتی که پولس نسبت به دوستان خود در فیلیپی دارد چگونه توصیف شده است؟ (باب ۱:۸) ملاحظه خواهید کرد که وقتی پولس از خود بصورت اول شخص صحبت می کند به خاطر فخر فروشی نیست بلکه به منظور تشویق دوستان خود است تا براساس ایمان به انجیل زندگی کنند (۱:۱۲-۱۴:۱:۲۵-۲۶ و غیره...). این رساله در مورد پولس، شخصیت وی، روشهای او در جان بخشیدن به اجتماعات مسیحی که بنیانگذاری کرده بود و شیوه همکاری وی به ما چه می آموزد؟

است که مسیح تظاهر می کرده که انسان است.

این سرود به سرود مریم که در انجیل لوقا روایت شده است ملحق می شود، خدا مرد فقیر را برمی افرازد، کسی که خود را از نفس خویش خالی کرده، او را که کاملاً تباه گشته است، آن اولینی که خود را آخرین ساخته است.

## مطالعه رساله به فیلیپیان

نوشته های پولس به خاطر سادگی آنها چه برای مطالعه و چه برای درک مفهوم مشهور نمی باشند. رساله کوتاهی که به فیلیپیان نوشته شده و در آن سؤالهای بزرگی در مورد شریعت مطرح نشده است می تواند راه خوبی باشد تا به پولس نزدیکتر شویم. بدون شک این رساله بهتر از رسالات دیگر حساسیت رسول امته را نمایان می کند. پس شما را دعوت می کنیم تا رساله فیلیپیان را چند بار بخوانید. این کار راه خوبی است تا پیش از آن که بطور اتفاقی در دنیای پیچیده سایر نوشته های او وارد شویم، با پولس ارتباطی خوب برقرار نماییم.

مسلماً متخصصان در مورد انسجام و محلی که این رساله نوشته شده است از خود سؤالانی می نمایند. سروده ای که در باب دوم نوشته شده است امکان بررسی های زیادی را به وجود آورده است اما مسائل بسیار فنی را کنار بگذاریم.

این رساله تنها از چهار باب کوتاه ساخته شده است. بنابراین می توانیم بارها آنها را مطالعه کنیم، درست مثل دیدن یک شهر. تنها یک بار دیدن برای شناختن آن کافی نیست. از شما دعوت می کنیم تا چهار بار رساله به فیلیپیان را مطالعه کنید اگر چه از شما توقع نداریم که این کار را در طول یک روز انجام دهید.

### نخستین بررسی:

در وهله اول فقط متن رساله به فیلیپیان را مطالعه کنید و یادداشتها و زیرنویسهای مندرج در کتاب مقدس را مطالعه نکنید. بتدریج به شکلهای متفاوت زیر بعضی موارد را از قبیل: (لازم به تذکر است که استفاده از مداد الزامی است.)

**سومین بررسی:**

پولس از داشتن روابط نامه نگاری با اجتماع فیلیپی که برایش حائز اهمیت می باشد خوشحال است. اما رساله او کاملاً رایگان نمی باشد. او مشکلات این اجتماع را می شناسد. در سومین بررسی خود مشکلات اجتماع فیلیپی را علامتگذاری کنید، چه خطرات داخلی (۲:۲-۳:۳-۱۵-۱۹) و خارجی (۳-۱:۳) ایشان را تهدید می کند؟ پولس رسول برای مبارزه با آنها و برای حل مشکلاتشان چگونه ایشان را تشویق می کند؟ او روی کدام رفتار آنها تأکید می کند؟ (۲:۲:۲:۲:۱۲:۲:۱۸:۴:۵).

**چهارمین بررسی:**

اگر وقت کافی داشته باشید چهارمین بررسی به مطالعه کامل رساله اختصاص دارد که البته می بایست روی هر عنوان و یادداشتهایی که در کتاب مقدس ذکر شده است تأمل کنید. چگونه این اشارات یافته های شخصی شما را که طی سه بررسی گذشته کسب کرده اید کامل می کنند؟

**در يك گروه كتاب مقدسی**

اگر شرکت کنندگان در گروه های کتاب مقدسی علاقه مند هستند که یکی از جلسات خود را به رساله به فیلیپیان اختصاص دهند می توانند خود را با انجام چهار بررسی فوق الذکر آماده سازند. در نخستین ملاقات خود، در مرحله اول تبادل افکاری بر روی یافته های هر کدام در طول این چهار بررسی انجام دهید. در مرحله دوم افراد گروهتان در مورد مزایای این رساله در رفع مشکلات اجتماعات مسیحی که شبیه به مشکلات کلیسای فیلیپی می باشد از یکدیگر سؤالاتی به عمل آورند. چگونه مصیبت هایی که پولس برای مسیح، انجیل او و کلیسایش کشیده است، مصیبت هایی که در هر سطر این رساله حس می شود، می تواند امروزه منبع الهام برای اجتماعات مسیحی ما باشد؟